

بررسی علل بیداری اسلامی در منطقه‌ی عربی و اسلامی بر اساس روش‌شناسی تأییدگرا

ایوب پورقیومی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۰۸

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۴

صفحات مقاله: ۱۰۳ - ۷۷

چکیده:

در این مقاله ضمن بررسی مفهوم بیداری اسلامی، چرایی وقوع انقلاب‌های اخیر در کشورهای منطقه‌ی عربی و اسلامی تحلیل گردیده است. بدین منظور با بهره‌گیری از ادبیات نظری موجود، پاسخ به این پرسش در سه محور «نارضایتی عمومی»، «وضعیت مخالفان» و «وضعیت حکومت» تبیین شده است. به منظور پاسخ دادن به سؤال مزبور از روش اتفاق استفاده شده و براین اساس، کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین از طریق این روش، بررسی شده‌اند. مطابق بررسی‌های انجام شده مشخص گردید، علاوه بر نقش تعیین‌کننده‌ی عامل عدم مشروعیت، عواملی چون سرسپردگی به غرب، شناسایی رژیم صهیونیستی، اختناق، جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم و محرومیت گروه‌های مهم از مشارکت در دولت نیز در رخداد اخیر دخالت داشته‌اند. این تحقیق که از نوع کاربردی است با روش تطبیقی انجام شده است. روش تطبیقی دارای انواعی مختلفی است که در این مقاله برای پاسخ دادن به چرایی وقوع انقلاب‌ها از روش اتفاق استفاده شده است.

* * * * *

واژگان کلیدی

انقلاب، بیداری اسلامی، ثبات سیاسی، اعتراض اجتماعی، خاورمیانه، شمال آفریقا.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم منطقه‌ی عربی در این برهه‌ی زمانی، تغییر رژیم و انتقال قدرت و جابجایی حکومت‌هاست. برخلاف دوره‌ی سنتی که تغییرات حکومت‌ها عمدتاً از طریق جنبش‌های انقلابی، جنگ داخلی، کودتا و یا جنگ خارجی رخ می‌داد، امروزه جنبش‌هایی بروز می‌کند که مسأله‌ی تغییر حکومت‌ها را از راه‌های جدید پی می‌گیرد. یکی از شیوه‌های جدید تغییر نظام سیاسی وقوع سلسله‌وار انقلاب‌های مردمی در کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین است. حال این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که چه عواملی باعث رخداد حوادث مزبور در این کشورها گردیده است؟ مقایسه‌ی زمینه‌ها و شرایط کشورهایی که انقلاب موفق را تجربه کرده‌اند، یک راه پاسخ دادن به پرسش چرایی رخداد این انقلاب‌ها است. بر اساس مطالعه‌ی ادبیات حوزه‌ی انقلاب و دموکراتیزاسیون، پاسخ به پرسش مزبور در حوزه‌های وضعیت عمومی جامعه، وضعیت مخالفان، وضعیت حکومت و تأثیر عامل خارجی در موارد مزبور جستجو خواهد شد.

بیان مسأله

پس از ۱۱ سپتامبر و برجسته شدن تهدید گروه‌های تروریستی و حکومت‌های به اصطلاح یاغی، امریکایی‌ها با طرح دکترین جنگ پیش‌دستانه، تنها راه مقابله با تهدیدات جدید را پیشگیری و پیش‌دستی و مهندسی اجتماعی و ملت‌سازی در قالب طرح خاورمیانه‌ی بزرگ می‌دانستند (امینیان، ۱۳۸۶: ۲۲۱). کاخ سفید برای اجرایی نمودن طرح خاورمیانه‌ی بزرگ اقداماتی را به عمل آورد که از جمله‌ی این اقدامات می‌توان به تلاش برای ایجاد اجماع جهانی حول محور امریکا برای مبارزه‌ی جهانی با تروریسم، همراه نمودن افکار عمومی جهانیان با سیاست‌های نظامی‌گری امریکا، مشروعیت بخشیدن به اقدامات سخت‌افزاری و نظامی، ترسیم چهره‌ی منجی‌گرایانه از امریکا و تولید قدرت نرم برای این کشور اشاره نمود. امریکا در

چارچوب این طرح خاورمیانه‌ی بزرگ و با هدف بازگشت به دوران سیطره و سلطه^۱ خود، سعی داشت به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم و با اتهام غیردموکراتیک خواندن کشورهای مخالف، نوعی اصلاحات سیاسی دفاعی و تحمیلی را با اعمال فشار برای تغییر رژیم‌ها و نظام‌های سیاسی منطقه، به شکلی پدرسالارانه عملی نماید (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۲۰). اما آن‌چنان که بعداً گفته خواهد شد، امریکا به دلیل وجود مشکلات و چالش‌های فراوان مجبور به کنار گذاشتن یا حداقل کم‌رنگ نمودن سیاست دموکراسی‌سازی شد و به سیاست قدیمی حمایت از متحدین سنتی خود در منطقه بازگشت نمود؛ بنابراین، نمی‌توان گفت ماهیت تحولات اخیر در منطقه، امریکایی است.

عده‌ای تلاش دارند نقش ابزارهای ارتباطی جدید چون ماهواره، اینترنت و فضای مجازی را پررنگ جلوه دهند، در حالی که این ابزار در همه‌ی ۲۲ کشور عربی وجود دارد و مختص به این چند کشور مورد مطالعه ما نیست، پس چرا در سایر کشورها تحول جدی دیده نشد؟ ازسوی دیگر، باید گفت مگر چند درصد مردم این کشورها به اینترنت و فضای مجازی متصل هستند؟ در کشور بزرگی چون مصر فقط ۱۰ درصد مردم به اینترنت دسترسی دارند و از این میزان پنج تا شش درصد به «فیس‌بوک» و «تویتر» دسترسی دارند (اسداللهی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۷). پس این نظریه که به دلیل خروج انحصار اطلاعات از دست حکومت به واسطه‌ی دخالت فضای مجازی مردم نیازی به رهبر نداشته و خودشان با هم قرار می‌گذاشتند، هم نمی‌تواند قانع‌کننده باشد.

تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر بیداری اسلامی و ضرورت توجه به حوادث اخیر در کشورهای اسلامی که دارای ماهیت و تبار اسلامی هستند، وظیفه‌ی سنگینی را بر دوش ما می‌گذارد. ایران بازیگری مهم و تأثیرگذار در تحولات منطقه است و چنین بازیگری باید موضع و راهبرد مشخص داشته باشد، زیرا چنین موضع و راهبردی لازمه‌ی تحقق خاورمیانه‌ی اسلامی به عنوان آرمان راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. این در

۱- در طول تاریخ نظام جهانی، سه دولت به هژمونی دست یافته‌اند: هلند در نیمه‌ی سده‌ی هفدهم، بریتانیا نیمه‌ی قرن نوزدهم و ایالات متحده نیمه‌ی قرن بیستم (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

حالی است که با صحنه‌ی پیچیده‌ای مواجهیم، بازیگران متعددی در میدان حضور دارند و چالش‌های متعددی نیز بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وجود دارد. علی‌رغم این که ما بازیگر مهمی در منطقه خاورمیانه بوده و خیلی در معادلات این منطقه تأثیرگذار هستیم و وزنه‌ی مهمی به‌شمار می‌رویم، اما مسأله‌ای که وجود دارد این است که علل اصلی تحولات اخیر در کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال افریقا به‌خوبی روشن نیست و این موضوع موجب دوگانگی و ابهام در مواضع برخی مسئولان گردیده و در نتیجه بر سیاست خارجی ما نیز تأثیر گذاشته و خواهد گذاشت. بنابراین، نیاز هست تا این تحولات موشکافی گردیده و با مذاقه‌ی بیشتر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند تا بینش ما را به آینده‌ی تحولات منطقه عمیق‌تر نموده و از غافلگیری در قبال این‌گونه پدیده‌ها جلوگیری کند.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی پژوهش این است که علل بیداری اسلامی در منطقه‌ی عربی - اسلامی چیست و ویژگی‌های مشترک تحولات در کشورهای هدف کدامند؟

سؤالات فرعی

مشکلات اساسی کشورهای عربی - اسلامی چیست؟
 چاره‌جویی غرب برای حل این مشکلات چگونه بود و به کجا انجامید؟
 تحولات انقلابی در کشورهای هدف با اسلامگرایی و بیداری اسلامی چه نسبتی دارد؟

فرضیه

جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم به‌دست حکام مستبد علت برجسته تحولات انقلابی در کشورهای هدف است.

نوع و روش تحقیق

این تحقیق که از نوع کاربردی است با روش تطبیقی انجام شده است. روش تطبیقی دارای انواعی چون روش اتفاق^۱، روش اختلاف^۲، روش اختلاف و اتفاق با هم، روش بقایا و روش تغییرات همگام است (رجب زاده، ۱۳۷۸: ۱۲۲). در این مقاله برای پاسخ دادن به چرایی وقوع انقلاب‌ها از روش اتفاق استفاده شده است. بر مبنای قاعده میل^۳ برای روش اتفاق «اگر پدیده‌ای در چند مرتبه‌ی وقوع، تنها یک جنبه‌ی مشترک داشته باشد، فقط آن جنبه‌ی مشترک، علت (یا معلول) آن پدیده است» (لیتل، ۱۳۷۳: ۴۸). در روش اختلاف، باید دو مورد انتخاب شود که در یکی پدیده‌ی مورد بررسی حاضر و در دیگری غایب باشد. مطابق این روش، اگر یک عامل پیدا شود که تغییراتش هماهنگ با تغییرات پدیده‌ی مورد بررسی باشد، همان علت پدیده خواهد بود (همان: ۴۹). ما در این مقاله به پیروی از «مکی»^۴ به جای تأکید بر یک جنبه، بر مجموعه‌ای از عوامل (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۶) تأکید می‌کنیم. کشورهایی که برای بررسی در روش اتفاق انتخاب گردیده‌اند، عبارت‌اند از: تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین.

روش تأییدگرایی

روش تأییدگرایی مبتنی بر استنتاج استقرایی است و در آن اصل بر ساختن فرضیه و سپس تأیید و محتمل‌سازی آن است. فرضیه‌ی هر گزاره قابل آزمون خواهد بود، خواه یک واقعیت جزئی و خواه یک قانون باشد. پس از آزمون فرضیه، صرفاً می‌توان صحت آن را اثبات کرد و آن را محتمل نمود. هر بار آزمون، پشتیبانی‌های کم و بیش بیشتری از فرضیه را ایجاد می‌کند. در این روش، فرضیه‌ی کمکی نقش قاعده دارد. به طور مثال، اگر طبقه‌ی متوسط فراگیر دارای شکاف هویتی با نظام سیاسی باشد، آن‌گاه انقلاب اتفاق می‌افتد. در این‌جا شکاف هویتی فرضیه‌ی کمکی است. بنابراین، اگر نباشد انقلاب هم نخواهد بود. محور بعدی در آزمون فرضیه این است که

1- method of agreement

2- method of difference

3- John S. Mill

4- J. L. Mackie

کمیت، تنوع و دقت شواهد، افزایش تأیید فرضیه را در پی دارد. به عنوان مثال، در مورد کمیت، در رابطه با یک فرضیه یافته‌های مختلف را آزمون کنید. از نمونه‌ی واحد در هر بار آزمون جواب بگیرید. در تنوع نمونه متفاوت است. هرچه فراوانی در نمونه‌ها بیشتر باشد، دقت نتایج بیشتر است. رکن نظریه‌ی نظم استقرایی است. نسبت علیّی متقوم است به همراهی منظم متغیرها و حوادث و امثال آن. بنابراین، نسبت علی میان دو متغیر E و C فقط وقتی برقرار است که حوادثی از نوع C با حوادثی از نوع E به‌نحو منظم همراه باشند. به طور مثال، وقتی می‌گوییم تورم موجب ناآرامی داخلی است، معنایش این است که همواره و به نحو منظمی پس از دوران تورمی، دورانی از ناآرامی‌های داخلی فرا می‌رسد. به عبارت دیگر، رابطه‌ی معیت بین آنها برقرار است. همبستگی و همراهی دو متغیر گسسته E و C را می‌توان بر حسب احتمالات شرطی نیز بیان کرد. بدین طریق E همراه و همبسته‌ی C است اگر و فقط اگر احتمال E به شرط وجود C بیشتر باشد از احتمال مطلق E (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۱۶).

روش تأییدگرایی بحث بدیهیات اولیه و اصول متعارف را رد می‌کند و فقط مبتنی بر روش‌های کمی‌سازی است و روی بررسی جزئی کار می‌کند، قانون کلی را نمی‌شناسد. به علاوه این‌که تولید علم را از جزء به کل یعنی استقرایی می‌داند. نقطه‌ی قوت آن شاید این باشد که با آزمون یک فرضیه‌ی جزئی، رابطه‌ی آن با اصول کلی سنجیده می‌شود. این روش می‌گوید فرضیه نه قابل اثبات است و نه قابل ابطال، فقط می‌توان گفت این قدر تضعیف یا این قدر تقویت شده است (همان: ۱۶).

روش اتفاق و اختلاف

روش اتفاق و اختلاف منسوب به «جان استوارت میل» از روش‌های تأییدگرایی است. هدف آن این است که با مشاهده‌ی مکرر تغییرات در شرایط مقوم بر وقوع یک حادثه، علت آن را معلوم کند (همان).

الف: روش اتفاق

در این روش تمامی متغیرهای موجود را بررسی کرده و وجه مشترک آنها را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم.

مثال: اعتصاب در کارخانه‌ها:

- وقوع اعتصاب p
- عدم وقوع اعتصاب a
- کاهش دستمزد A
- شرایط نامناسب زندگی B
- نیروی کارگر ماهر C
- مدیریت اقتدارگرا D
- شرکت صنعتی E

P1 و P2 و P3 سه کارخانه مفروض می‌باشند که در جدول زیر مورد بررسی قرار گرفته اند:

جدول شماره ۱- رابطه‌ی متغیرها در روش اتفاق

p	A	B	C	D	E
P1	p	p	a	a	P
P2	p	a	p	a	A
P3	p	a	a	p	A

چنانچه توجه کنید، در جدول فوق کاهش دستمزد (ستون A)، متغیر مکرر تمامی اعتصاب‌ها در سه کارخانه فوق است.

ب: روش اختلاف

در این روش باید دو مورد را پیدا کرد که در یکی p حاضر و در دیگری p غایب باشد. یعنی در موردی که اعتصاب شده متغیر مورد نظر وجود داشته و در موردی که اعتصاب نشده، آن متغیر وجود نداشته باشد.

جدول شماره ۲- رابطه‌ی متغیرها در روش اختلاف

p	A	B	C	D	E
p	p	p	a	a	P
a	a	p	a	a	P
p	p	p	a	a	P
a	a	p	a	p	P

زمانی متغیر مؤثر است که در آنجا که اعتصاب شده، وجود داشته باشد و در آنجا که اعتصاب نشده وجود نداشته باشد. در جدول فوق متغیر A (کاهش دستمزد) صادق است، زیرا در آنجا که اعتصاب شده کاهش دستمزد وجود داشته و در آنجا که اعتصاب نشده این کاهش وجود نداشته است (همان: ۱۶).

مشکلات جوامع عربی و چاره‌جویی غرب

در سال ۲۰۰۰ پس از آن‌که دکتر «ریما خلف هنیدی» به سمت معاون دبیرکل سازمان ملل و مسئول برنامه‌های این سازمان در خاورمیانه منصوب شد، برای درک درست وضعیت موجود در خاورمیانه و شناخت صحیح نیازها و مشکلات، کمیته‌ای مشورتی متشکل از روشنفکران و کارشناسان عرب تشکیل شد. در این کمیته برای اولین بار تفاوت‌های فاحش بین گزارش‌های رسمی و واقعیت موجود در بخش‌های مختلف روشن شد. بنابراین، این کمیته تلاش کرد گزارشی^۱ واحد و جامع از وضعیت توسعه‌ی انسانی در منطقه‌ی خاورمیانه ارائه دهد. در گزارش این کمیته به مشکلات چهارگانه‌ای در خاورمیانه اشاره شد که سه مورد آنها داخلی است و یک مورد نیز ریشه در خارج دارد. مشکلات داخلی عبارتند از:

- فقدان آزادی؛

۱- برای اطلاع بیشتر از گزارش توسعه‌ی انسانی سازمان ملل متحد درباره کشورهای عربی، ر.ک. به: الف- زمانی، هادی (۳۱ جولای ۲۰۰۵)، «مروری بر عملکرد طرح خاورمیانه بزرگ»، www.ayandeh.com (۱۳۸۷/۲/۱۶).

ب- یونسین، مجید، کتاب خاورمیانه‌ی ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ۱۳۸۵.

- وضعیت نامناسب زنان و سطح پایین تحقیقات و آموزش؛
- مشکل خارجی هم‌آثار سلبی ناشی از اشغال فلسطین توسط اسرائیل بر جهان عرب است.

با توجه به این گزارش، ژنرال پاول وزیر امور خارجه‌ی سابق آمریکا در ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۱ در بنیاد «هریتیج» در یک سخنرانی، طرح امریکا برای خاورمیانه‌ی بزرگ و علل آن را اعلام نمود. وی ضمن بیان شرایط و اهمیت منطقه‌ی خاورمیانه و اوضاع سیاسی و نظامی آن به بیان چالش‌های موجود در مقابل امریکا و سیاست‌های آن در خاورمیانه پرداخت و طرح را در دو محور اقتصادی و سیاسی تشریح نمود. در محور اقتصادی مهم‌ترین موضوعات مورد اشاره پاول عبارتند از:

- ۱) همکاری امریکا با بخش‌های عمومی و خصوصی و تشویق آنها به سرمایه‌گذاری و اجرای اصلاحات اقتصادی و حمایت از نقش زنان در جامعه؛
 - ۲) همکاری با دولت‌های خاورمیانه برای وضع قوانین جدید اقتصادی و جذب سرمایه‌های خارجی و توسعه و رشد بخش خصوصی؛
 - ۳) همکاری با مریبان و اولیای آموزش و پرورش و اعزام اساتید آمریکایی برای رفع معضلات آموزشی؛
 - ۴) کمک به کشورهای دوست، مانند عربستان و یمن برای ورود به سازمان تجارت جهانی؛
 - ۵) تأسیس مرکز سرمایه‌گذاری آمریکا - خاورمیانه.
- مهم‌ترین موضوعات مورد اشاره پاول در محور سیاسی عبارتند از:
- ۱) اجرای اصلاحات؛
 - ۲) اعطای نقش‌های کلیدی به زنان؛
 - ۳) آشنایی مردم منطقه با حکومت مردم‌سالاری و دموکراسی آمریکایی؛
 - ۴) تقویت سازمان‌های مدنی (منصوری، ۱۳۸۵: ۷۹ - ۸۳).

در ماه ژانویه سال ۲۰۰۳، «دیکچنی»^۱ در اجلاس سازمان جهانی اقتصاد که در شهر «داووس»^۲ سوئیس برگزار شد «راهبرد پیشرو برای آزادی» را مطرح ساخت که دولت آمریکا را متعهد به حمایت از کسانی می‌نمود که در راه اصلاحات در خاورمیانه‌ی بزرگ فعالیت می‌نمایند. در ماه نوامبر ۲۰۰۳ نیز دولت بوش طرح خود را برای خاورمیانه‌ی بزرگ رسماً اعلام کرد. به دنبال مخالفت شدید کشورهای عربی و عدم استقبال کشورهای اروپایی، این طرح تعدیل شد و در دهم ماه ژوئن سال ۲۰۰۴ با نام جدید «طرح خاورمیانه‌ی گسترده» در نشست گروه هشت در «سی ایسلند»^۳ به تصویب رسید. علی‌رغم تعدیل‌های انجام گرفته، این طرح همچنان با نام اولیه‌ی آن، یعنی «طرح خاورمیانه‌ی بزرگ معروف شد» (پورقیومی، ۱۳۸۹: ۲۰۰). این طرح تلاشی در جهت تکمیل راهبرد کلان امنیت ملی ایالات متحده در منطقه بود که از طریق «القائده‌گرایی» مورد نظر محافظه‌کاران و با استفاده از مکانیزم‌های «تخریب‌سازنده»، «ده فرمان نظم امپراتوری» و «دکترین برناردلوتیس» پیگیری شد (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳-۶۴). آمریکا به منظور دستیابی به اهداف فوق، طرح را در سه سطح دنبال نمود:

- ملت‌سازی: تغییر بافت جمعیتی و الگوی فرهنگی؛
- کشورسازی: تغییر در نقشه‌ی جغرافیایی منطقه؛
- دولت‌سازی: در چهارچوب منطق قدرت و در راستای «رسالت تغییر حکومت‌ها»

(زروندی، ۱۳۸۲: ۱۹۵).

تهاجم نظامی به افغانستان و عراق و ساقط کردن طالبان و صدام، آغاز مرحله‌ی اول طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، یعنی دولت‌سازی در منطقه‌ی خاورمیانه‌ی قدیم را معنا بخشید و حضور آمریکا در عراق، آغاز طرح کلان آمریکا برای خاورمیانه بود (امینیان، ۱۳۸۳: ۹). امریکایی‌ها درصد بودند با ساقط کردن دولت‌های به [اصطلاح] شرور، دولت‌های همراه با خود را جایگزین آنها نمایند. اما دیری نگذشت که متوجه شدند پروژه‌ی دولت‌سازی نه تنها به

۱- معاون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا.

2- Davos

3- See Island

شکل‌گیری و روی کار آمدن دولت‌های هم‌سو نمی‌انجامد، بلکه فرصتی را برای اسلام‌گرایان فراهم می‌سازد تا با استفاده از آن، به صورت دموکراتیک، از نردبان قدرت بالا روند. پیروزی احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا و مخالف سلطه‌ی غرب در انتخابات‌های کشورهای مختلف منطقه، موفقیت حزب‌الله در انتخابات پارلمانی لبنان و مشارکت در دولت این کشور، پیروزی حماس در فلسطین و ... از یک‌سو طرح خاورمیانه‌ی بزرگ آمریکا را در اولین گام خود با مانع بسیار بلندی روبه‌رو ساخت و از سوی دیگر بیداری اسلامی را در منطقه رقم زده و این مهم نه تنها با اهداف و راهبردهای خاورمیانه‌ای نظام سلطه مغایرت دارد، بلکه منافع آنان را نیز به خطر انداخته است. به همین دلیل با تغییر در تاکتیک خود، طرح خاورمیانه‌ی جدید را با برنامه‌ریزی حمله رژیم صهیونیستی به حزب‌الله لبنان طراحی نمودند (پورقیومی، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۱۸).

عمده‌ترین چالش‌ها و موانع طرح خاورمیانه‌ی بزرگ عبارتند از: بی‌ثباتی ناشی از تغییر در ساختار حکومت‌ها، مشکلات شکل‌گیری جامعه‌ی فرهیخته، مشکلات شکل‌گیری اقتصاد آزاد، به خطر افتادن امنیت انرژی غرب، مقاومت و بیداری اسلامی، ملی‌گرایی، قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای (پورقیومی، ۱۳۸۹: ۲۱۲-۲۱۶)، مقاومت در برابر پذیرش ارزش‌های لیبرالیستی، اقتدار حکومت‌های دودمانی و عدم وابستگی آنها به مردم و احساس تحقیر مردم منطقه از قضیه‌ی فلسطین (امینیان، ۱۳۸۳: ۱۰-۱۱). با توجه به مطالبی که عنوان شد می‌توان گفت طرح خاورمیانه‌ی بزرگ به دلیل برآورد اشتباه آمریکا از منطقه‌ی خاورمیانه و تحت تأثیر مؤلفه‌های زیر با شکست روبه‌رو شد:

- ناکامی آمریکا در عراق، شکست راهبرد نظامی و حمله پیش‌دستانه در مقابل شبه‌نظامیان و حملات نامتقارن، شکست فرایند دموکراسی‌سازی،
- شکست آمریکا در مهار تروریسم، افول قدرت نرم آمریکا و افزایش تنفر از آن کشور در منطقه،
- شکست اطلاعاتی کاخ سفید بر اثر برآوردهای امنیتی غلط از عراق و لبنان،
- از دست دادن مدیریت بحران، فاصله‌گیری از یک‌جانبه‌گرایی و تمایل به مشارکت اروپا، ناتو و رژیم صهیونیستی و همچنین توسل به ایران و سوریه براساس توصیه‌ی گزارش «بیکر - همیلتون»،

- ناکارآمدی ارتش آمریکا در عراق و عقب‌نشینی ارتش این کشور از شمال و جنوب افغانستان و سپردن امنیت به ناتو، افزایش نفوذ و قدرت ایران در پی تحولات منطقه،
- شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی و شکست لیبرال دموکراسی غرب، مهیا شدن بستر رشد ملی‌گرایی عربی در منطقه، بازگشت آمریکا به سیاست حمایت از حکومت‌های غیردموکراتیک در منطقه و شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان (پورقیومی، ۱۳۸۹: ۲۱۷).

بنابراین، آمریکا از سال ۲۰۰۶ پروژه‌ی دموکراسی‌سازی را تعطیل کرد و نمی‌توان گفت که تحولات اخیر کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال افریقا نقشه‌ی آمریکا است و خود آمریکا نیز در این مورد دچار غافلگیری استراتژیک گردیده است (اسداللهی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۷).

نسبت تحولات انقلابی با اسلام‌گرایی

مخالفت مردم کشورهای منطقه‌ی عربی با سرسپردگی‌ها و وابستگی‌ها به آمریکا و رژیم صهیونیستی باعث تراکامات مختلف شد. این تراکامات را در سه لایه می‌توان تعریف کرد و آنها را در اعتراضات و قیام‌های مردمی امروز مشاهده نمود. تراکم اول که سبب این حرکت و جرقه‌ی انقلاب به‌طور مثال، در تونس شد یک مسأله‌ی معیشتی ساده بود، اما پشت این حرکت صنفی و معیشتی مظلومیت ناشی از خودسوزی «محمد بوعزیزی» در تونس بود. وی وقتی اقدام به خودسوزی کرد، همه چیز خود را لگدمال شده می‌دید، چون فاصله‌ی رفاهی یک طبقه‌ی اقلیت که در حاشیه‌ی بن علی بودند و بقیه‌ی ملت که اکثریت محروم بودند، بسیار زیاد شده بود. این لایه‌ی اول بود که مردم همراهی کردند. انقلاب تونس جرقه‌ی انقلاب مصر شد. زمینه‌ی دو انقلاب هم‌زاد تونس و مصر، اول مطالبات صنفی بود بعد به مرور زمان که دایره‌ی انقلاب گسترش پیدا کرد، لایه‌ی عظیم‌تر و عمیق‌تری از مطالبات معنادار مطرح شد که همان بحث آزادی‌ها، کرامت انسانی، دموکراسی، آزادی بیان و اندیشه بود. لایه‌ی سوم که هسته‌ی مرکزی انقلاب‌ها و قیام‌ها در تونس، مصر و حتی در یمن و بحرین و لیبی و سایر کشورها واقع شد، لایه‌ی عقیدتی و اخلاقی به‌عنوان ارزشمندترین لایه‌های یک جامعه بود. در واقع،

این لایه شکل‌دهنده‌ی هویت فردی یک مسلمان و فرهنگ اجتماعی و تاریخی جامعه‌ی اسلامی و عربی است (سید افقهی، ۱۳۸۹).

مفهوم بیداری اسلامی

منظور از بیداری اسلامی سلسله حرکت‌های مردمی است که علیه حکومت‌های دیکتاتوری در کشورهای اسلامی - عربی خاورمیانه و شمال آفریقا به وجود آمده و یا به فروپاشی آنها و روی کار آمدن زمامداران جدید منجر شده یا در حال ادامه و پیشروی است.^۱ بیداری اسلامی و تحولات بنیانی منطقه‌ی عربی و اسلامی از پدیده‌های مهم و تأثیرگذار در منطقه‌ی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا و در مجموع در جهان اسلام و در مرحله‌ی بعد در کل جهان است. این پدیده‌ی کم‌نظیر دارای ریشه‌ها، علل و ویژگی‌هایی است که آگاهی از آنها برای تمامی انسان‌ها، به‌ویژه افراد بصیر، بیدار و آزاده ضروری است. مقام معظم رهبری نخستین کسی بود که واژه‌ی «بیداری اسلامی» را پس از مطرح شدن «خاورمیانه‌ی جدید» از سوی امریکا، آن هم در اثنای جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان، طرح نمودند و پس از آن هم در خلال فرمایشات‌شان بارها آن را به‌کار بردند. پس از وقوع انقلاب‌های اخیر در کشورهای اسلامی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا نیز ایشان ریشه‌ی این تحولات را بیداری اسلامی دانسته و بر آن تأکید فرمودند.

در فرمایشات مقام معظم رهبری در ابتدای سال ۱۳۹۰ در حرم امام رضا (ع)، علل و ویژگی‌های این حرکت به روشنی ترسیم گردید.^۲ ایشان ویژگی‌های مهم این پدیده را در حضور مردم در صحنه و گرایش و جهت‌گیری دینی حرکت مردم و علت آن را جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم، و آن را مشابه حضور مردم در انقلاب اسلامی ایران دانسته و اهمیت آن را در بی‌توجهی مردم به دعوت‌های همیشگی روشنفکران و علت اهمیت

۱- در زمان نگارش این سطور این حرکت انقلابی در تونس، مصر و لیبی به سقوط حاکمان انجامیده است (البته هنوز بقایای رژیم سابق به‌طور کامل از قدرت کنار نرفته‌اند)، در بحرین توسط رژیم آل‌خلیفه و با کمک ارتش عربستان و چند کشور عربی سرکوب شده، اما اعتراضات همچنان ادامه دارد و حرکت انقلابی یمن روندی رو به جلو دارد.

۲- در تبیین این مواضع و ترسیم نمودار آن از اطلاعات سایت دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (khamenei.ir) و پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (www.Leader.ir) استفاده شده است.

را در ناتوانی احزاب، پشت‌میزنشین‌ها و تحلیلگران ذهنی در آوردن مردم به صحنه و بازشدن گره‌ها با دل، نیت و همت مردم بیان فرمودند.

مقام معظم رهبری، شواهد گرایش و جهت‌گیری دینی حرکت مردم را برگزاری نمازهای جمعه و جماعت، وجود نام خدا و حضور علمای دین، مبلغان و بنیان‌گذاران تفکر نوین دینی در متن حرکت بیان فرمودند. ایشان جنایات حکومت مصر به نیابت از رژیم صهیونیستی، در مواردی چون بستن مرز غزه و کمک به محاصره و ایجاد دیوارهای حائل فولادی در مرز آن را مصادیق بارز جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم مصر به‌دست حاکمان و همچنین جریحه‌دار شدن غرور ملت لیبی پس از جمع‌آوری امکانات هسته‌ای توسط حکومت این کشور، به بهانه‌ی استفاده از مشوق‌های غربی را علت مهمی در بیداری اسلامی در این دو کشور ذکر نمودند و مشاهده‌ی مقاومت مسئولین ایرانی در برابر تهدیدات غرب را دلیل برانگیزاننده‌ای در وقوع انقلاب‌ها ذکر فرمودند.

مقام معظم رهبری در تبیین مواضع امریکا در برابر این تحولات، حمایت از دیکتاتورها تا آخرین لحظه، رها کردن آنان در هنگامی که بی‌فایده باشند، حفظ شاکله‌ی نظام پس از رفتن دیکتاتورها و بر سر کار آوردن افراد طرفدار خود و تلاش برای مصادره‌ی انقلاب‌ها با ترفندهایی چون اظهار حمایت و همراهی با ملت‌ها را سیاست این کشور دانستند. و از سوی دیگر به تلاش امریکا برای شبیه‌سازی انقلاب‌ها در منطقه از جمله در ایران به وسیله‌ی عوامل ضعیف، فرومایه و دستخوش هوای نفس اشاره و آن را شکست خورده ارزیابی نمودند.

ایشان در تبیین موضع ایران نیز دفاع از حقوق ملت‌های مسلمان و مظلوم، مقابله با مستکبران و سلطه‌گران در هر جای دنیا و حمایت از هر حرکت آزادی‌خواهانه با شعار اسلام را سیاست ایران دانسته و پیروزی قطعی حرکت بیداری اسلامی طبق وعده‌ی الهی را پیش‌بینی نمودند. ایشان در سخنرانی خود در سالگرد رحلت امام^(ع) نیز سه شاخص عمده‌ی مشترک در

حرکت کشورها را اسلامی بودن، مردمی بودن، ضد آمریکا و ضد صهیونیست بودن دانسته و همین سه ویژگی را ملاک همراهی ایران با حرکت‌های جدید دانستند.

به‌منظور یافتن زمینه‌ای مشترک برای بررسی مفهومی پدیده‌ی بیداری اسلامی می‌توان عناصر اساسی این پدیده که آن را از دیگر انواع تحولات سیاسی مشابه جدا می‌سازد، برشمرد. بر این مبنا ویژگی‌های زیر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین عناصر اصلی و ممیزه‌ی بیداری اسلامی ذکر کرد:

۱) استفاده از مکان خاص به عنوان فرصتی برای بسیج توده‌ای

جرقه‌ی تغییر حکومت در برخی انقلاب‌های منتهی به بیداری اسلامی در کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا به گونه‌ی معناداری با تجمع مردم معترض در یک مکان خاص و بیان خواسته‌های خود برای تغییرات از آن مکان زده شده است. به‌عنوان نمونه میدان «التحریر» قاهره و میدان لولو (شهدا) در منامه پایگاه اصلی انقلابیون بود و اهمیت ژئوپلیتیک این مکان‌ها قابل توجه است. تأثیر این تاکتیک تا جایی بود که رژیم بحرین میدان لولو را تخریب نمود تا بلکه بتواند این حرکت مهم مردمی را خنثی نماید.

۲) مسالمت‌آمیز بودن

یکی از ویژگی‌های بارزی که موجب تمیز بیداری اسلامی از انقلاب‌های کلاسیک شده، مسالمت‌آمیز بودن بیداری اسلامی است. شیوه‌ی مبارزه‌ی انقلابی‌ها با حکومت در این انقلاب‌ها مبتنی بر شیوه‌ی مبارزه‌ی غیرخشونت‌آمیز است که از طریق به‌کارگیری تاکتیک‌هایی چون حضور اعتراضی در میادین و خیابان‌ها اجرا شده است.

۳) مشارکت توده‌ای

در انقلاب‌های برخاسته از بیداری اسلامی مانند انقلاب‌های کلاسیک و انقلاب‌های رنگی، توده‌های مردمی نقش فعالی دارند و گروه‌های مخالف که بخشی از جمعیت را بسیج می‌کنند، خارج از بلوک قدرت قرار دارند. اما تفاوت آن با انقلاب‌های رنگی در این است که اگر نماد انقلاب‌های کلاسیک گیوتین و نماد انقلاب‌های رنگی «میز مذاکره» (جلایی‌پور،

۱۳۸۱: ۵۷) و «رقابت انتخاباتی» (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۶-۳۳) بود، نماد بیداری اسلامی اخیر تجمع توده‌های مردمی خارج از قدرت و غیروابسته به احزاب حکومتی است. این مشخصه مانند انقلاب‌های کلاسیک است که در آنها «گروه‌های مخالف که بخشی از جمعیت را بسیج می‌کنند، خارج از بلوک قدرت قرار دارند» (بشیریه، ۱۳۸۳). ضمناً شباهتی به کودتا که در آن گروه‌ها و افرادی از درون حکومت مبنای تغییرات‌اند (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۰)، ندارد.

۴) میزان تغییرات

در حال حاضر نمی‌توان در این مورد اظهار نظر قطعی کرد. اگر در بیداری اسلامی تغییر حاکم به تغییر در مناسبات طبقاتی و ساختارهای قدرت بیانجامد، شبیه انقلاب حقیقی است، ولی اگر تغییر رژیم هیچ تغییری در مناسبات طبقاتی و ساختارهای قدرت در کشورهای دستخوش تغییرات به وجود نیاورد، بلکه تنها باند نوین، جایگزین باند حاکم سابق شود، به هیچ وجه نمی‌توان تحولات این کشورها را در حد انقلاب‌های اجتماعی به حساب آورد. بلکه در آن صورت تغییرات حادث در این کشورها به تغییرات ناشی از انقلاب‌های مخملی، کودتاهای نظامی و یا انقلاب‌های سیاسی شباهت دارد که در آن «هیأت حاکم جدید جایگزین هیأت حاکم قدیم می‌شود و در برخی سیاست‌ها تغییراتی ایجاد می‌گردد» (همان: ۷۰ - ۷۱).

۵) نقش عامل خارجی

عامل خارجی در وقوع انقلاب‌های سنتی عموماً به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار است. در انقلاب‌های مخملی نقش عامل خارجی پررنگ است و معمولاً مدیریت آن را بر عهده دارد. تجربه‌های موجود نشان می‌دهد که حمایت‌های رسانه‌ای، سیاسی و مالی خارجی به صورت مؤثری در انقلاب‌های مخملی وجود داشته است. بدین صورت که ایده‌ی اعتراض مدنی، تأثیرگذاری و چگونگی توجیه این حرکت توسط منابع و کانون‌های خارجی تبلیغ و ترویج شده است. حتی در پاره‌ای از موارد نیروهای معترض توسط عوامل خارجی آموزش داده شده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۴)، اما در خصوص انقلاب‌های اخیر در منطقه‌ی عربی نمی‌توان به صراحت از نقش عوامل خارجی سخن گفت. برعکس شواهدی وجود دارد که

این مسأله را تا حد زیادی رد می‌کند. اما تأثیر عامل خارجی به این صورت که ترویج دموکراسی و مردم‌سالاری در جهان توانسته ذائقه‌ی مردم کشورهای منطقه‌ی عربی را متوجه خودش نماید، بی‌تردید در این انقلاب‌ها مؤثر بوده است. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان الگوی مردم‌سالاری دینی از یک‌سو و به‌عنوان نماد بیداری و مقاومت در مقابل افزون‌طلبی‌های استکبار و اشغالگری‌های رژیم صهیونیستی، یکی از عوامل خارجی مؤثر در رویداد بیداری اسلامی بوده است.

تحلیل تحولات کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال افریقا

بر اساس چارچوب تحلیلی فراهم شده برای بررسی بیداری اسلامی در منطقه‌ی عربی خاورمیانه و شمال افریقا بر سه محور اصلی نارضایتی عمومی، وضعیت مخالفان و وضعیت حکومت تمرکز نموده و در هر زمینه چند عامل را بررسی نموده‌ایم.

۱) نارضایتی عمومی

برخی از صاحب‌نظران حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی، تغییر سیاسی را معادل تغییر در ترتیبات قدرتی حاکم بر جامعه تلقی نموده و آن‌را به چهار دسته‌ی کلی تقسیم کرده‌اند. مبنای این تقسیم‌بندی عواملی مانند نوع و میزان شرکت‌کنندگان در تغییر، میزان سازمان‌یافتگی و برخورداری از رهبری و همچنین میزان اثرپذیری از ایدئولوژی و آرمان‌های سیاسی است. بر این مبنای، دسته‌ی اول تغییرات را می‌توان توطئه‌های سازمان‌یافته نامید و منظور از آن، تغییرات به دقت طراحی شده‌ای همچون کودتا است که در آن، عده‌ای محدود از نخبگان که اغلب به قدرت سیاسی نیز دسترسی دارند، بدون بهره‌گیری از نیروی توده‌ها و به‌طور ناگهانی، ترتیبات قدرتی حاکم را تغییر می‌دهند. دسته‌ی دوم آشوب است و منظور از آن، ناآرامی‌های اجتماعی و اغتشاشاتی است که کمترین برخورداری از سازمان‌یافتگی، رهبری و ایدئولوژی دارد. دسته سوم انقلاب است و مراد از آن حرکت‌هایی سیاسی است که با تکیه بر ایدئولوژی یا آرمان سیاسی، با شرکت توده‌های جامعه و با محوریت رهبر یا رهبران، نظم سیاسی مستقر را تغییر

می‌دهند. دسته‌ی آخر که با عنوان شورش‌گری شناخته می‌شود، ترکیبی از ویژگی‌های کودتا و انقلاب را در خود جمع کرده است؛ هم ویژگی سازمان‌یافتگی و برنامه‌دار بودن کودتاها و هم تکیه بر آحاد جامعه و بهره‌گیری از نیروهای اجتماعی که از ویژگی‌های انقلاب است را در خود دارد (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۰).

اولین قدم برای تبیین نظری یک حرکت سیاسی - اجتماعی مانند انقلاب، تبیین ریشه‌های آن است. براساس نظریه‌های دموکراتیزاسیون و انقلاب، زمینه‌های بحران و فروپاشی رژیم‌های غیرمردم‌سالار، ریشه در بحران‌های مربوط به نظام اجتماعی و بحران‌های مربوط به دولت دارد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۹۴)، که باعث بروز نارضایتی عمومی می‌شود. در نظام اجتماعی نارضایتی عمومی به چند شیوه ایجاد می‌شود (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۲):

الف) به وسیله‌ی یک نظام اجتماعی نامتوازن و بی‌تعادل که باعث به‌وجود آمدن افراد آشفته و سرگردانی می‌شود پیوندهای اجتماعی آنها گسسته شده است (نظریه‌ی جانسون)؛

ب) با فروپاشی و از بین رفتن سازمان‌های سیاسی و اجتماعی واسط و شکل‌گیری جامعه‌ی توده‌وار (نظریه‌ی آرنت و کورنهورز)؛

ج) از طریق شکاف ایجادشده میان میزان بالا رفتن انتظارات و میزان برآوردن نیازها (نظریه‌ی دیویس و گر)؛

د) از طریق فرایند مدرنیزاسیون شتابانی که از فرایند نهادینه شدن پیشی گرفته است (نظریه‌ی هانتینگتون).

همچنین در حوزه‌ی دولت، بحران‌هایی چون ناکارآمدی، بحران مشروعیت، بحران سلطه یا استیلا و مشکلات اقتصادی و ... می‌تواند زمینه‌ساز و باعث توسعه‌ی نارضایتی عمومی گردد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۹۴). اما بدیهی است که روگردانی و نارضایتی به تنهایی نمی‌تواند باعث شکل‌گیری کنش انقلابی شود. آنها ابعادی از «وضعیت‌های بحرانی» است که زمینه‌ی روان‌شناختی لازم برای «تأثیرپذیری افراد» و «سوق یافتن آنها به سوی جنبش توده‌ای» را فراهم می‌آورد. «تیلی» نیز در این خصوص معتقد است، نارضایتی در صورت سازمان‌دهی نشدن و

نبود منابع، به ندرت منجر به انقلاب می‌شود (Goldstone, 1982: 12). از این‌رو، وجود گروه‌ها و احزابی که بتوانند نارضایتی عمومی را در راستای منافع خود علیه حاکمان به‌کار گیرند، ضروری است (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۲).

در کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا، به علت عدم استقرار نظام سیاسی دموکراتیک، مردم و نخبگان این کشورها موفق به برآورده ساختن نیازهای اساسی جامعه‌ی سیاسی خود نشدند. درعین حال، تحولات جهانی، تسهیل در ارتباطات مردمی و آگاهی از تحولات و پیشرفت دیگر جوامع نیز بر مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم و نخبگان می‌افزود. در این کشورها مشکلات اقتصادی و یا مسائل برآمده از نظام دیوان‌سالاری، در افزایش نارضایتی‌ها نقش داشت؛ به عبارت دیگر، شرایط عینی جامعه، به میزان قابل توجهی تحت تأثیر میزان بهره‌مندی معیشتی قرار گرفت که در نهایت نارضایتی از وضع موجود را در پی داشت.

ظرفیت‌های محدود اقتصادی در کنار سیاست‌گذاری‌های نادرست و ضعف در امور اجرایی در این کشورها موجب شده بود که اغلب این کشورها با مشکلات اقتصادی دامنه‌داری مواجه باشند. البته این همه‌ی ماجرا نبود.

نظام سیاسی غیرشفاف، ویژگی مشترکی بود که نظام حکومتداری در این کشورها را با ابهام مواجه ساخته بود. نظام سیاسی این کشورها تفاوت‌های زیادی با معیارهای مرسوم بین‌المللی دارد. همچنین رفتار حاکمان در قبال مخالفان و تلاش برای حذف آنها و بهره‌گیری از روش‌های غیرمردم‌سالاری برای اداره‌ی نظام سیاسی کشور معضل دیگری در این کشورها بود که منجر به نارضایتی سیاسی در این کشورها می‌گردید.

مهم‌تر از همه این‌ها دیدگاه‌ها و دغدغه‌های اسلام‌گرایانه‌ی مردم، سرخوردگی و احساس تحقیر از قضیه‌ی فلسطین و جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم به دلیل همراهی حکام مستبد با سیاست‌های استکباری غرب بود.

میزان جدیت و تلاش ارتش برای بقای حکومت هم نکته‌ای است که نباید مغفول واقع شود. در مصر و تونس، در واقع ارتش نه گفت به حکومت و انتقام تحقیر خود را

از حکام گرفت، بنابراین حکومت زود فروپاشید، زیرا قدرت حکومت بر پایه‌ی دستگاه‌های امنیتی بود. به عنوان مثال، بر اساس معاهده‌ی صلح کمپ دیوید مصر، ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار نظامی بیشتر نمی‌تواند داشته باشد، در حالی که ۱۲۰۰۰۰۰ نفر نیروی امنیتی دارد (اسداللهی (مصاحبه)، ۱۳۹۰) و این مسأله خوشایند نظامیان نبود.

۲) وضعیت مخالفان

نیروها و گروه‌های اجتماعی مبتنی بر علائق گوناگون در درون ساخت جامعه پدید می‌آیند. چنین علائقی در حول و حوش شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. شکاف اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه‌ی جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌ها می‌گردد. این گروه‌بندی‌ها ممکن است تشکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کنند (بشیریه، ۱۳۸۳: ۹۹). یکی از شکاف‌های اجتماعی در جوامع، «شکاف‌های قومی» است. همان‌گونه که نظریه‌های فرصت سیاسی استدلال می‌کند، در جوامعی که مخالفان از حمایت‌های محلی و قومی برخوردارند، امکان بسیج سیاسی افزایش می‌یابد. از این‌رو، شکاف قومی در جوامع یکی از عوامل انسجام مخالفان به‌شمار می‌آید. علاوه بر این، انقلاب زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که نیروهای اجتماعی در برابر رژیم اقتدارگرا به اندازه‌ی کافی قدرت به دست بیاورند. از این‌رو، توزیع قدرت بین عناصر اقتدارگرای درون حکومت و عناصر مردم‌سالار در جامعه نیز جزء متغیرهای اساسی است (McFaul, 2007: 63).

رشد آگاهی عمومی که از طریق رشد فزاینده‌ی تعداد ثبت نام شدگان در مقاطع عالی آموزش عالی قابل اندازه‌گیری است، از جمله‌ی دیگر عواملی است که امکان انسجام مخالفان در جوامع اقتدارگرا را فراهم می‌آورد (Beissinger, 2007: 271). قدرت‌های خارجی نیز می‌توانند در این روند تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. کمک‌های دولت‌های خارجی و یا سازمان‌های غیردولتی به مخالفان حکومت که از طریق هویت‌سازی، حمایت مالی، سیاسی و ... انجام می‌شود، می‌تواند باعث افزایش منابع، سازمان و کارآمدی آنها گردد یا گروه‌های مخالف را به مثابه پیاده نظام قدرت‌های خارجی جلوه‌گر کند و از این طریق باعث تضعیف آنها شود. بنابراین، پاسخ به دخالت‌های خارجی نه تنها به اقدامات خاصی صورت می‌گیرد، بلکه به فرهنگ جامعه و

این‌که چگونه این دخالت‌ها در نظر گروه‌های ستیزه‌جو جلوه‌گر می‌شود نیز بستگی دارد (Goldstone, 1982: 12). با این همه، نارضایتی عمومی هرچند توسط گروه‌های مخالف به سمت تغییر حاکمان هدایت شود، در صورتی که رژیم حاکم به اندازه‌ی کافی یکدست و کاملاً اقتدارگرا باشد، بعید است که این مخالفت‌ها کارگر بیفتد (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۴). از این‌رو، توجه به وضعیت حکومت در موفقیت انقلاب‌ها نیز ضرورت دارد.

بروز نارضایتی در همه‌ی جوامع و به میزان متفاوت، تقریباً امری فراگیر است؛ از این‌رو، نارضایتی به خودی خود نمی‌تواند منجر به انقلاب گردد. در کشورهای دستخوش انقلاب، نارضایتی عمومی که امری سراسری و متراکم است، بر شکاف‌های قومی در این جوامع بار می‌شود و از طریق رهبران این گروه‌ها، علیه دیکتاتورهای حاکم به کار گرفته می‌شود (همان: ۷۸). در این‌جا باید گفت که در تمامی کشورهایی که بیداری اسلامی صورت گرفته است، ملی‌گرایی عامل همبستگی قوی بوده و جنبش اجتماعی توانسته از این طریق تعداد زیادی از مردم را به خیابان‌ها بکشد.

۳) وضعیت حکومت

در رژیم‌های دیکتاتوری نقض معیارهای مردم‌سالاری به صورتی جدی اتفاق می‌افتد، تا این‌که میدان بازی به نفع حاکمان تغییر پیدا کند. فضای جهانی شده و فشارهای هنجاری یا حقوقی عامل خارجی نیز بر وضعیت حکومت تأثیرگذار است. فشار خارجی، هم مانعی در برابر رژیم‌های اقتدارگرای تمام عیار است و هم از طریق اعمال فشار بر حکومت در وضعیت انقلابی، باعث تضعیف حکومت می‌شود. همچنین عدم انسجام نیروهای حافظ نظم در جامعه و پیوند ضعیف آنها با حکومت (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۲۱۷) و اقتصاد ضعیف از دیگر عواملی است که حکومت را در برابر انقلاب آسیب‌پذیر می‌سازد (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۵). حکومت در کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا توسط دیکتاتورهای قبضه شده بود که چند دهه در مسند قدرت بودند و به هیچ وجه حاضر به کناره‌گیری از قدرت نبودند.

علاوه بر این، عامل تأثیرگذار دیگر در موفقیت انقلاب پیوند ضعیف نیروهای امنیتی و پلیس با حکومت است؛ در مصر و تونس روگردانی نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی، در

نهایت سرکوب مخالفان را توسط دولت غیرممکن کرد. تعداد زیاد تظاهرکنندگان و ضعف شدید دولت و نارضایتی نیروهای نظامی و پلیس در این کشورها باعث روگردانی آنها از حکومت گردید. وضعیت نامناسب اقتصادی این کشورها و افزایش سطح تحصیلات عمومی نیز در وقوع انقلاب مؤثر بودند.

عامل خارجی نیز از طرق فشار بر حکومت، وقوع انقلاب در این کشورها را تسهیل کرده بود. گرایش حاکمان کشورهای موصوف به حفظ ارتباط با غرب، یک اهرم مناسب برای فشار آوردن به این کشورها و جلوگیری از ادامه‌ی دیکتاتوری داشت. در مجموع، بر مبنای مباحث مطرح شده، تأثیر عوامل مختلف در رخداد انقلاب‌های اخیر در کشورهای هدف را می‌توان طبق جدول زیر خلاصه کرد:

جدول شماره ۳- تحلیل مقایسه‌ای تحولات انقلابی کشورهای منطقه‌ی عربی و عوامل دخیل در آن

بحرین	یمن	لیبی	مصر	تونس		
+	+	+	+	+	رژیم دیکتاتوری	حکومت
+	+	+	+	+	عوامل اقتصادی	
-	-	+	-	-	فشار سیاسی مستقیم خارجی	
+	+	+	+	+	وابستگی حکام به استکبار	
+	+	+	+	+	عدم احساس مسئولیت در قبال مسأله‌ی فلسطین	
+	+	+	-	-	جدیت و تلاش ارتش برای بقای حکومت	
+	+	+	+	+	دیدگاه‌ها و دغدغه‌های اسلامی	وضعیت
+	+	+	+	+	ملی‌گرایی	
-	-	-	-	-	گرایش‌های فرهنگی غرب‌گرایانه	مخالفان
-	-	+	-	-	حمایت سیاسی خارجی	
+	-	+	+	+	رشد سطح تحصیلات	
+	+	+	+	+	جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم	نارضایتی
+	+	+	-	+	بالا بودن نرخ بیکاری	
+	+	+	+	+	محرومیت گروه‌های مهم از مشارکت در دولت	عمومی
+	+	+	+	+	تأثیر عامل خارجی (گسترش مردم‌سالاری)	

بررسی اقتصادی تحولات

وضعیت اقتصادی پنج کشور هدف تونس، مصر، لیبی، بحرین و یمن نشان می‌دهد که این کشورها در برخی شاخص‌های اقتصادی مهم و مؤثر مانند تورم وضعیت نسبتاً قابل قبولی دارند. بر این اساس، طبق آمار ارائه شده میزان تورم در کشور لیبی ۱۰/۵ درصد، در کشور یمن به میزان ۱۸ درصد، در کشور تونس به میزان ۵ درصد، در کشور بحرین به میزان ۷ درصد و در کشور مصر ۱۸ درصد است. نرخ بیکاری در بحرین ۱۵ درصد، در مصر ۹/۱، در تونس ۱۴/۱، در لیبی ۳۰ و در یمن ۳۵ درصد است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در بحرین ۶/۱ درصد، در مصر ۶/۹، تونس ۴/۷، لیبی ۶/۳ و در یمن ۳/۲ درصد است. میزان بدهی خارجی در بحرین ۱۰/۵۷ میلیارد دلار، در مصر ۲۹/۲ بیلیون دلار، تونس ۱۹/۲۷ بیلیون دلار، لیبی ۴/۸۳۷ بیلیون دلار و در یمن ۶/۴۷۲ میلیارد دلار است.

جدول شماره ۴- جدول شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی^۱

میزان تورم (درصد)	میزان بدهی خارجی	نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی (درصد)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	نرخ بیکاری (درصد)	جمعیت (تن)	نرخ رشد جمعیت (درصد)	درصد اسنادی	
۷	۱۰/۵۷ میلیار دلار	۶/۱	۲۶/۷ میلیارد دلار	۱۵ (۲۰۰۵)	۷۲۷۷۸۵ (۲۰۰۹)	۱/۲۸۵ (۲۰۰۹)	۸۶/۵	بحرین
۱۸ (۲۰۰۸)	۲۹/۲ بیلیون دلار	۶/۹ (۲۰۰۸)	۴۴۲ میلیارد دلار(۲۰۰۸)	۹/۱	۸۱۷۱۳۵ ۲۰ (۲۰۰۸)	۱/۶۸۲ (۲۰۰۸)	۷۱/۴	مصر
۵	۱۹/۲۷ بیلیون دلار	۴/۷	۸۳/۴ میلیارد دلار	۱۴/۱ (۲۰۰۷)	۱۰۳۲۷۸ ۰۰	۰/۹۸۹	۷۴	تونس

۱-اطلاعات فوق در مورخه ۱۳۹۰/۳/۳۰ از پورتال اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران «www.iccim.ir» و سایت مؤسسه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی ایران و افریقا (آفران) «www.afran.ir» استخراج گردیده است.

میزان تورم (درصد)	میزان بدهی خارجی	نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی (درصد)	تولید ناخالص داخلی	نرخ بیکاری (درصد)	جمعیت (تن)	نرخ رشد جمعیت (درصد)	درصد باسوادی	
۱۰/۵ (۲۰۰۸)	۴/۸۳۷ بیلیون دلار	۶۳	۷۸۷۹ میلیارد دلار (۲۰۰۸)	۳۰	۶۱۷۳۵۷ ۹	۲/۲۱۶ (۲۰۰۸)	۸۲/۶	لیبی
۱۸	۶/۴۷۲ میلیار دلار	۳/۲	۵۵/۲۹ میلیارد دلار	۳۵ (۲۰۰۳)	۲۳۸۲۲۷ ۸۳	۳/۴۵۳ (۲۰۰۹)	۵۰/۲ (۲۰۰۳)	یمن

نتیجه گیری

وقوع انقلاب در کشورهای منطقه‌ی عربی، حکایت از شرایط و ویژگی‌های خاص سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر این کشورها دارد. اساساً وقوع همه پدیده‌های اجتماعی، از جمله انقلاب‌ها، ناشی از یک مجموعه علل و زمینه‌هایی است که در صورت مهیا شدن این شرایط، رخداد آن پدیده نیز ضرورت می‌یابد. بر این مبنای، در اینجا برای کشف شرایط و ویژگی‌هایی که می‌تواند زمینه‌ساز انقلاب گردد، روش اتفاق میلز را انتخاب و از طریق هم‌سنجی آنها عوامل تأثیرگذار در رخداد انقلاب‌ها کشف گردید.

در بعد مسایل مربوط به حکومت، عواملی چون وجود رژیم‌های دیکتاتوری، وابستگی حکام به استکبار، عدم احساس مسولیت در قبال مسأله فلسطین و عوامل اقتصادی به اتفاق در تمامی کشورهای مورد بررسی دخالت داشتند.

بر اساس بررسی‌های انجام شده این نتیجه حاصل شد که اساساً، انقلاب‌ها ریشه در نارضایتی عمومی دارد. نارضایتی‌ها خواه واقعی باشد و خواه ناشی از احساس محرومیت؛ خواه ناشی از عملکرد نامناسب نظام سیاسی باشد و خواه برآمده از نظام اجتماعی، چه دارای منبع و منشأ داخلی باشد و چه دارای منبع و منشأ خارجی، تقریباً در تمامی جوامع امری فراگیر است؛ از این رو، می‌توان استدلال کرد که هرچند نارضایتی در کنار سایر عوامل می‌تواند

رخداد انقلاب را تسهیل کند، اما در این ارتباط، عامل تعیین‌کننده‌ی نهایی نیست. برای این‌که انقلاب به وقوع بپیوندد، باید مخالفان از قدرت و انسجام کافی برای بسیج توده‌های مردمی و به چالش کشیدن حکومت برخوردار باشند. عوامل خارجی که با اعمال فشار بر حکومت، رژیم سیاسی کشور را در برابر مخالفان بسیار آسیب‌پذیر می‌سازند، جز در کشور لیبی که غرب و ناتو با تعیین منطقه‌ی پرواز ممنوع و سپس با دخالت نظامی علیه حکومت قذافی وارد عمل شدند، در سایر کشورها وجود نداشت. ضمن این‌که دخالت عامل خارجی در این کشور بعد از آغاز و تداوم ناآرامی‌ها در این کشور بود. البته در بحرین عامل خارجی دخالت داشت، اما به شکلی دیگر بود، یعنی دخالت نظامی عربستان، امارات و برخی دیگر از کشورهای منطقه برای سرکوب انقلابی‌ها، که آن هم بعد از شروع و تداوم ناآرامی‌ها اتفاق افتاد.

علاوه بر این، همان‌گونه که از بررسی شرایط کشورهای موصوف به دست می‌آید، شرایط و وضعیت داخلی کشورها نیز در کنار تأثیر سایر عوامل در رخداد انقلاب‌ها بسیار تأثیرگذار است. در این ارتباط عواملی همچون، ملی‌گرایی در جامعه به سبب این‌که امکان بسیج توده‌ها را تسهیل می‌کند، افزایش سطح تحصیلات عمومی و تمایل مردم به دخالت بیشتر در امور خود از طریق روندهای مردم‌سالارانه، در رخداد انقلاب تأثیرگذار است. در مجموع در مورد عوامل مرتبط با نارضایتی عمومی و عوامل مربوط به وضعیت مخالفان نیز می‌توان گفت که دیدگاه‌ها و دغدغه‌های اسلام‌گرایانه، جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم، محرومیت گروه‌های مهم از مشارکت در دولت و تأثیر عامل خارجی (گسترش دموکراسی، به‌ویژه مردم‌سالاری در ایران) مهم‌ترین عوامل مورد اتفاق در پنج کشور هدف ارزیابی گردید.

منابع

فارسی

- ۱- اسداللهی، مسعود، (۱۳۹۰)، «*تحولات اخیر منطقه عربی*»، سخنرانی، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده امنیت ملی، ۱۳۹۰/۴/۲۱.
- ۲- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵)، «*انقلاب رنگی: طراحی چارچوب تحلیلی در انقلاب رنگی و نظام جمهوری اسلامی ایران: تحلیل‌ها و تخمین‌ها*»، به اهتمام فرزاد پورسعید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- امینیان، بهادر، (۱۳۸۳)، «*امریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات*»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸، سال دوازدهم، شماره ۴، تهران: پاییز ۱۳۸۳.
- ۴- امینیان، بهادر، (۱۳۸۶)، «*امریکا و ناتو؛ پایایی و گسترش ناتو و هژمونی امریکا*»، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین^(ع).
- ۵- بشیریه، حسین، (۱۳۸۳)، «*انقلاب و بسیج سیاسی*»، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- بشیریه، حسین، (۱۳۸۷)، «*گذار به مردم‌سالاری*»؛ گفتارهای نظری، تهران: نگاه معاصر.
- ۷- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، www.leader.ir، ۱۳۹۰/۵/۱۷.
- ۸- پورتال اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران www.iccim.ir، ۱۳۹۰/۳/۳۰.
- ۹- پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۶)، «*طرح خاورمیانه جدید؛ اهداف، چالش‌ها و موانع*»، مجله‌ی سیاست دفاعی، شماره‌ی پیاپی ۶۱، سال شانزدهم، شماره‌ی ۱، زمستان ۱۳۸۶.
- ۱۰- پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۹)، «*تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران امریکا*»، چاپ دوم، قم: اعتدال.
- ۱۱- جلالی‌پور، حمیدرضا، (۱۳۸۱)، «*جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش دوم خرداد*»، تهران: طرح نو.
- ۱۲- حاجبانی، ابراهیم و مهدی حیدری، (۱۳۸۷)، «*تحلیل مقایسه‌ای انقلاب‌های مخملی با توجه به شش جمهوری شوروی سابق*»، مجله‌ی دانش سیاسی، سال چهارم، شماره‌ی اول بهار و تابستان ۱۳۸۷.

- ۱۳- حسینی، حسن، (۱۳۸۳)، «*طرح خاورمیانه بزرگتر*»، القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی امریکا، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۴- حسینی، حسین، (۱۳۸۸)، «*جنگ نرم: از تهدید تا پاسخ*»، فصلنامه‌ی مدیریت بحران، سال اول، شماره ۳ و ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۸ و سایت www.swar.ir.
- ۱۵- دهشیری، محمد رضا، (۱۳۸۳)، «*بررسی مقایسه‌ای راهبرد امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپایی در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر*»، مجله‌ی سیاست دفاعی، شماره‌ی پیاپی ۴۸.
- ۱۶- رجب‌زاده، احمد، (۱۳۷۸)، «*جامعه‌شناسی توسعه*»، تهران: انتشارات سلمان.
- ۱۷- زروندی، مهدی، (۱۳۸۲)، «*گزارش همایش پژوهشی جنگ سلطه و نظام بین‌الملل*»، مجله‌ی سیاست دفاعی، شماره‌ی پیاپی ۴۲ سال یازدهم شماره ۲، تهران: بهار ۱۳۸۲.
- ۱۸- زمانی، هادی، (۳۱ جولای ۲۰۰۵)، «*مروری بر عملکرد طرح خاورمیانه بزرگ*»، www.ayandeh.com، (۱۳۸۷/۲/۱۶).
- ۱۹- سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، www.khamenei.ir، ۱۳۹۰/۶/۱۱.
- ۲۰- سایت مؤسسه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی ایران و افریقا (آفران)، www.afiran.ir، ۱۳۹۰/۳/۳۰.
- ۲۱- سید افقهی، سید هادی، (۱۳۸۹)، «*ریشه‌های تحولات مصر*»، در مصاحبه با مجتبی باجلانی، خیرگزاری قدس، ۱۳/۱۲/۱۳۸۹.
- ۲۲- عبدالله‌خانی، (۱۳۹۰)، «*جزوه درس روش شناخت و تحلیل امنیت*»، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، بهار ۱۳۹۰.
- ۲۳- لیتل، دانیل، (۱۳۷۳)، «*تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع*»، ترجمه: عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی صراط.
- ۲۴- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، «*تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*»، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۵- منصوری، جواد، (۱۳۸۵)، «*امریکا و خاورمیانه*»، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۶- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۱)، «*موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*»، چاپ سوم، ترجمه: احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.
- ۲۷- یونسین، مجید، (۱۳۸۵)، «*کتاب خاورمیانه ۵*»، ویژه اصلاحات در خاورمیانه، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

انگلیسی

- 28- Beissinger, Mark, (2007), "*Structure and Example in Modular Political Phenomena: The Diffusion of Bulldozer / Rose / Orange / Tulip Revolutions*", Journal of Democracy, No 2, vol. 5
- 29- Goldstone, Jack, (1982), "*The Comparative and historical Study of Revolutions*", Annual review of Sociology, vol. 8.
- 30- McFaul, Michael, (2007), "Ukraine Imports Democracy. External Influences on the Orange Revolution", International Security, No. 2.

